

# اختلافات سیاسی معاصر در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر

والنتین یاکوشیک<sup>۱</sup>

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ساحل دریای خزر که تا اواخر سال ۱۹۹۱ متعلق به شوروی و ایران بود، بین پنج کشور مستقل روسیه، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و ایران تقسیم شد. دولتهای مستقل جدید شروع به تهیه و تقسیم دوفاکتو دریا کردند در حالی که وضعیت حقوقی دریای خزر در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ایران - شوروی تعریف شده است. این مقاله ضمن مروری بر اختلافات سیاسی معاصر در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر به تشریح مواضع هریک از کشورهای ساحلی پرداخته و بر لزوم اتخاذ یک تصمیم نهایی در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر برای حل اختلافات فی مابین تأکید می نماید. ایران با هر نوع اقدام یکجانبه در مورد اکتشاف منابع دریایی مخالفت می کند. علیه طرحهای احداث خطوط لوله زیر آب مخالفت ورزیده و موافق حمل و نقل نفت به وسیله تانکر و استفاده از احداث خط لوله های جدید و موجود از طریق سرزمین ایران و روسیه می باشد. متخصصان ایرانی به شدت از روسیه به دلیل تناقض مواضعش در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر انتقاد می کنند. ایران هنوز بر یک کندومینوم تأکید دارد و ایده های یک «رژیم حقوقی دوگانه» (یکی برای آبها و دیگری برای بستر دریا) را رد می کند. با وجود این واضح است که این کشور اگر منافع ملی اش در نظر گرفته شود به طور عمده می تواند در معامله ترکمنستان - آذربایجان در خصوص تقسیم جنوب خزر و در قراردادهای بین المللی کنونی و آینده در مورد اکتشاف نفت در دیگر کشورهای دریای خزر یک اصل تقسیم بخشی دریای خزر را بپذیرد.

دریای خزر، بزرگترین دریاچه جهان به دلیل اندازه اش که تقریباً ۳۷۱،۰۰۰ کیلومتر مربع<sup>(۱)</sup> است، دریا خوانده می شود. تا اواخر سال ۱۹۹۱، قسمت اعظمی از خط

۱. Valentin M. Yakushik استاد علوم سیاسی و رئیس مرکز تحقیقات سیاسی و اجتماعی دانشگاه آکادمی کیف. موهیلا (کیف، اوکراین) است. این مقاله توسط خانم زیبا فرزین نیا از متن انگلیسی به فارسی برگردانده شده است.

ساحلی متعلق به اتحاد جماهیر شوروی بود و تنها ساحل جنوبی از آستارا تا حسین‌قلی به ایران تعلق داشت.

در نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تمامی ۱۵ جمهوری شوروی در ۱۹۹۰-۱۹۹۱ اعلام استقلال کردند. اکنون ساحل دریای خزر بین ۵ کشور مستقل روسیه، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و ایران تقسیم شده است. مرزهای ساحلی دریای خزر از زمان شوروی تغییرات فیزیکی نداشته است. تنها تغییراتی که در این زمینه جایگزین شده با وضعیت مرزها مرتبط بوده است: بعضی از آنها درون ایالتی بوده است در حالی که پیش از ۱۹۹۱ آنها فقط مرزهایی در یک ایالت فدرال (اتحاد جماهیر شوروی) بوده‌اند.

وضعیت حقوقی دریای خزر در قراردادهای ایران - شوروی در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و ۲۵ مارس ۱۹۴۰ تعریف شده است.<sup>(۲)</sup> تحت حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی و ایران منطقه انحصاری ماهیگیری ۱۰ مایلی تأسیس شد، و دریای خزر وضعیت دریای بسته را داشت.<sup>(۳)</sup> وضعیت حقوقی در مواد ۱۲۲ و ۱۲۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل در مورد حقوق دریا (که در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ به مرحله اجرا درآمد)، دریاهای بسته و نیمه‌بسته تعریف شده است.<sup>(۴)</sup> قراردادهای ایران - شوروی توجه ویژه‌ای به مسائل استفاده از منابع زیردریایی، دریای خزر نداشته است.

هیچ کشور خارج از منطقه وضعیت دریا را به‌عنوان یک دریای بسته مورد اعتراض قرار نداده است. هیچ کشتی خارجی (کشور سوم) در آن نبوده است. از نظر تئوری اتحاد جماهیر شوروی و ایران اصل اکتشاف مشترک منابع بیولوژیکی خزر را رعایت کرده‌اند، و لوائینکه در عمل هیچ‌یک سعی نکرده‌اند دسترسی ۵۰:۵۰ به سهمشان را اجرا کنند. در همان زمان ایران از نظر تاکتیکی به صورت دوفاکتو حق اتحاد جماهیر شوروی را برای استخراج نفت از فلات دریای خزر نزدیک باکو (آذربایجان) به رسمیت شناخته بود، و هرگز از نظر عملی یا رسمی ادعای سهمی در منافع ناشی از نفت استخراج شده از دریا را نکرده بود.<sup>(۵)</sup>

اتحاد جماهیر شوروی، در حقیقت یک دولت واحد بود (حداقل به‌عنوان حق استفاده از منابع طبیعی) و تنها در ظاهر یک دولت فدرال بود، مسئله تقسیم حاکمیت بر دریای خزر بین جمهوری‌های ساحلی شوروی واقعاً نادیده گرفته شده بود، ولو به‌طور رسمی



«جمهوری‌هایی که اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل می‌دادند از غنائم خزر بر طبق اصل تقسیم از وسط بهره‌برداری می‌کردند و این عمل از دهه ۷۰ وجود داشت.»<sup>(۶)</sup> (قبل از همه آذربایجان و ترکمنستان آن را رعایت می‌کردند) فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این مسئله حل نشده را به موضوعی مورد بحث تبدیل کرد. بلافاصله پس از استقلال جمهوری‌ها، دولت‌های مستقل جدید شروع به تهیه و تقسیم دوفاکتو دریا که دارای منابع طبیعی غنی است، کردند. این روند جداسازی دریای خزر در سپتامبر ۱۹۹۴ تسریع شد هنگامی که آذربایجان قراردادی که «قرارداد قرن» خوانده می‌شد را با کمپانی‌های غربی برای توسعه مناطق نفتی گوناشلی، چیراگ و آذری در دریای خزر امضا کرد.<sup>(۷)</sup> آذربایجان قانون ملی را تصویب کرد که حتی با معاهدات بین‌المللی و رویه حقوقی قبلی مربوط به دریای خزر در تضاد بود و آنها را تضعیف می‌کرد.

روسیه و ایران تمایلشان را به حفظ اعتبار قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ اظهار کرده بودند. روسیه به‌طور کلی به‌عنوان یک جانشین قانونی اتحاد جماهیر شوروی و قراردادهای بین‌المللی اش شناخته شده است. با توجه به دریای خزر و قراردادهای ایران - شوروی در این زمینه، این رهیافت کافی نیست و نیاز به اصلاحاتی دارد. (حتی اگر این قراردادها معتبر هستند). در عین حال اکنون آذربایجان و قزاقستان به دلیل اینکه دیگر اتحاد جماهیر شوروی وجود ندارد، معتقدند قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ایران - شوروی خودبخود اعتبارشان را از دست داده‌اند.<sup>(۸)</sup> مواضع رسمی ایران کاملاً قابل انعطاف است، و این کشور از چنین تفسیرهای استفاده مشترک از دریای خزر که منجر خواهد شد به:

۱. ادعاهای ایران نسبت به ۵۰ درصد از منابع دریایی (یا درآمدهای ناشی از

استفاده‌شان) و

۲. محدودیت سهم بقیه کشورهای ساحلی - چهار دولت جانشین شوروی - به بقیه

۵۰ درصد منابع دریا،

اجتناب می‌کند. روسیه اراده سیاسی برای رسیدن به مصالحه درباره مواضع سخت

همسایگان و شرکایش در دریای خزر نشان داده بود.

در تجزیه و تحلیل نهایی، همه کشورهای منطقه نیاز به یک قرارداد جدید که وضعیت

دریای خزر را تعریف کند، مورد تصدیق قرار داده‌اند. هیچ قدرت خارج از منطقه هنوز به‌طور



آشکارا اعلام نکرده که مسائل خزر باید بین المللی شود یعنی اینکه آنها باید در یک چارچوب وسیع تر از توافق ایران و جمهوری های شوروی سابق حل و فصل شود، ولو اینکه ممکن است اهداف پنهانی و کوششهایی در این زمینه برای اینکه رفتار بعضی از کشورهای منطقه را زیر نفوذ در بیاورند، وجود داشته باشد.

در بین مسائل مورد بحث مربوط به وضعیت حقوقی دریای خزر چند نکته لازم به ذکر است:

الف) حمایت محیط زیست آبهای دریا و منابع بیولوژیکی از ضایعات احتمالی خطوط لوله (بخصوص لوله های زیردریا)، تانکرها و مناطق نفتی بستر دریا؛  
ب) حضور نظامی احتمالی قدرتهای خارج از منطقه.

کمپانی های خارجی (و کنسرسیوم آنها) که سرمایه گذاری های عظیمی در اکتشاف نفت و گاز و مسائل زیربنایی حمل و نقل دارند ممکن است تصمیم بگیرند (در مراحل) که آنها به حمایت نظامی کافی برای سرمایه گذاری و راههای تجاری در این منطقه که از نظر سیاسی بی ثبات و مغشوش (با تروریسم و آشوبهای مردمی) است، نیاز دارند. در نتیجه تضعیف حضور روسیه در جنوب خزر و ناتوانی دولتهای مستقل جدید برای جایگزینی مؤثر نقش روسیه (شوروی سابق) خلأ نسبی قدرت نظامی به وجود آمده است. امکان جهت گیری سیاسی ضد ایرانی (و حتی ضد روسی) بعضی دولتهای ساحلی ممکن است آنها را مجبور به اتکاء بر نیروهای نظامی خارج از منطقه کند. به دلیل اینکه آمریکا اکنون تنها ابرقدرت جهان است و اعلام کرده که خزر یک منطقه منافع استراتژیک است، برخی نیروهای سیاسی در منطقه اولین مانور مشترک نظامی روسیه - قزاقستان - آمریکا در قزاقستان در ۱۹۹۷ (با شرکت سمبولیک روسیه و دخالت تعدادی از سربازانش) را دال بر این مسئله ارزیابی کردند.

زمانی که به مسئله اجرای عملی حاکمیت دولتهای مستقل جدید، و جانشینی حقوقی شان در مورد قراردادهای بین المللی که به وسیله اتحاد جماهیر شوروی امضا شده بود، توجه شود تقریباً همه مسائل سیاسی و حقوقی مهم در منطقه دریای خزر با هم طرح می شود. جمهوری های سابق شوروی (پس از اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی و به وجود آمدن جامعه مشترک المنافع) قول داده بودند (در اعلامیه ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ آلمان) به



تعهداتشان در مورد قراردادهای بین‌المللی عمل می‌کنند.

مواضع تئوریک (در خصوص وضعیت حقوقی دریای خزر) در حمایت از منافع ویژه هریک از کشورهای ساحلی به طریق زیر خلاصه می‌شود:

۱. دریای خزر باید به‌عنوان یک دریای بسته تلقی شود و بنابراین تقسیم می‌شود به: دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره‌ای هریک از دولتهای ساحلی.<sup>(۹)</sup>

۲. ممکن است که به یک دریای آزاد تبدیل شود.<sup>(۱۰)</sup>

۳. دریای خزر یک دریا نیست بلکه یک دریاچه است، پس کنوانسیون ۱۹۸۲ قابل اجرا برای آن نیست، و بنابراین، این منطقه باید بین دولتها به‌وسیله موافقتنامه‌ای یا بر مبنای مرزهایشان و یا بر اساس نقطه وسط دریاچه تقسیم شود.<sup>(۱۱)</sup>

۴. به‌عنوان یک دریاچه باید به یک کندومینوم<sup>۱</sup> تحت حاکمیت بین‌المللی دولتهای ساحلی تبدیل شود.<sup>(۱۲)</sup>

۵. برخی راه‌حلهای حقوقی که می‌توان آنها را در نظر گرفت عبارت‌اند از: روشهای متفاوت در تقسیم منابع زیر دریا (و بنابراین منافع از اکتشاف منابع معدنی)، کنترل بر خطوط لوله زیرآب، و استفاده از منابع بیولوژیکی دریا، یا با ترتیبات موقتی وضعیت حقوقی نهایی دریای خزر را بر این اساس به تعویق بیاندازیم:

الف) جلوگیری از اجرای همه ادعاهای ملی حال و آینده در مورد آن قلمرو (راه‌حلی شبیه حل مسائل جنوبگان)<sup>۲</sup>؛

ب) یا شناسایی وضعیت موجود (به‌طور مقدماتی در رابطه با مرحله کنونی پروژه‌های توسعه در بستر دریا) و اجتناب از اقدامات یکجانبه بعدی.

مواضع رسمی دولتهای ساحلی در حمایت از تئوری حقوقی معین در خصوص وضعیت دریای خزر، به‌وسیله منافع فوری و اقتصادی استراتژیک حکومتها در مورد کنترل استخراج نفت در قسمتهای بخصوصی از دریا معین می‌شود. منافع دولتهای کنونی کشورهای تازه به استقلال‌رسیده با یکدیگر فرق دارد و بنابراین ترتیبات حقوقی متفاوت پیشنهاد

۱. اداره یک سرزمین به‌طور مشترک توسط چند کشور



می‌شود. روشن‌ترین مواضع به آذربایجان و قزاقستان مربوط است: آنها می‌خواهند در مناطق غنی نفتی مجاور ساحل‌شان حقوق حاکمیت انحصاری را اعمال نمایند. در این مناطق بهترین بخشهای نفتی دریای خزر وجود دارد. چنین موقعیتی با کاربرد مفهوم دریای خزر به‌عنوان یک «دریاچه مرزی» یا «دریای آزاد» مناسب‌تر است. آذربایجان ادعا می‌کند که هر دو این مفاهیم برای آن کشور قابل قبول است.<sup>(۱۳)</sup>

به دلایل علمی تاریخی، آذربایجان (شبه روسیه و اوکراین) متخصصان تعلیم‌دیده‌ای در زمینه حقوق بین‌الملل دارد، بنابراین این جمهوری (در مقایسه با ترکمنستان و قزاقستان) بهتر آماده تهیه یک پایه حقوقی قوی و مستدل برای موقعیت سیاسی حکومت آذربایجان در مذاکرات بین‌المللی بوده است.

برطبق مفهومی از «دریاچه» که آذربایجان مطرح کرده، هر کشور ساحلی سهم خودش از دریای خزر که از یک منطقه امتداد ساحلی تا «خط مرکزی»<sup>۱</sup> (خطی که فاصله برابری از هر ساحل دارد) تشکیل شده را به‌دست خواهد آورد. در هر بخشی کشورهای مربوطه حقوق حاکمیت انحصاری را برای استفاده از آنها، منابع زیردریا و همه منابع بیولوژیکی اعمال خواهند کرد. (همان‌طور که ایران براساس چنین ترتیباتی، بخشی از خزر، منطقه‌ای که در جنوب از آستارا در مرز آذربایجان تا حسین‌قلی در مرز ترکمنستان واقع شده را در اختیار خواهد داشت. منطقه محدودی که با آنچه معمولاً به‌طور غیررسمی به‌وسیله ایرانی‌ها به‌عنوان سهم ایران از خزر رسم می‌شود، فرق دارد). ترتیبات «دریای آزاد» به‌وسیله آذربایجان پذیرفته شده زیرا بر طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل در مورد حقوق دریا، نه تنها ۱۲ مایل آبهای سرزمینی بلکه همچنین ۲۰۰ مایل منطقه اقتصادی انحصاری به رسمیت شناخته می‌شود. در موارد بخصوص در فاصله باریک‌تر (کمتر از ۲۰۰ مایل) بین سواحل غربی و شرقی دریای خزر بخشهای ملی که دارای یک شکل مشابه هستند (نظیر ترتیباتی که تحت عنوان «دریاچه» در بالا مورد اشاره قرار گرفت) به‌وجود بیاید، که به وسیله همان حقوق حاکمیت انحصاری دولت ساحلی مربوط، به‌عنوان استفاده از منابع بستر دریا مشخص شده



است. تنها تفاوت مهم در وضعیت حقوقی هر بخش آزادی کشتیرانی در «دریای آزاد» خواهد بود.

گرچه مواضع قزاقستان (در مقایسه با آذربایجان) کاملاً مشابه است ولی بر حسب دکتترین موجود و رویه حقوق بین‌الملل ضعیف‌تر است: آن کشور ادعا می‌کند که دریای خزر نباید براساس مفهوم «دریاچه مرزی» یا «دریای آزاد» تلقی شود، بلکه دریا باید به مناطق اقتصادی بر طبق «خط مرکزی» تقسیم شود، پس حقوق انحصاری هر دولتی برای استخراج منابع طبیعی در منطقه اقتصادی خودش تأمین شود.<sup>(۱۴)</sup> برای درک منافع قزاقستان در این منطقه، نه فقط باید مسائل اکتشاف نفت در بخش شمال شرقی دریای خزر (در بخش واقعی قزاقستان) بلکه همچنین مسائل مربوط به مسیرهای خطوط لوله زیردریایی گاز و نفت اطراف خزر که از قزاقستان می‌رود، نیاز به تأمین حداکثر کنترل روی آنها و در ازای استفاده‌شان، و تصدیق قابلیت آسیب‌پذیری محیط زیست طبیعی خزر و ضرورت حفاظت از منابع بیولوژیکی باید در نظر گرفته شود.

برای یک مدت طولانی، مواضع مخالف (با آذربایجان و قزاقستان) از طرف روسیه اظهار شده بود. روسیه اصرار دارد که دریای خزر به‌عنوان یک دریای بسته یا ۲۰ مایل دریای سرزمینی و ۲۰ مایل منطقه انحصاری اقتصادی تلقی شود. منطقه باقی‌مانده باید یک «کندومینوم» برای همه کشورهای دریای خزر بشود. به‌عنوان یک «مصالحه» روسیه آماده بود که ۴۵ مایلی (بجای ۴۰ مایل) «ساحل نزدیک و قلمرو دولتهای ساحلی بر مناطق نفتی که توسعه آنها قبلاً شروع شده یا در شرف آغاز شدن است»<sup>(۱۵)</sup> را به رسمیت بشناسد. از این راه روسیه سعی کرده بود:

الف) سهم بیشتری را در معامله با شرکتهای غربی در توسعه مناطق نفتی در مناطقی که دور از سواحل این کشور واقع شده، به‌دست آورد؛

ب) استفاده انحصاری از مناطق نفتی نزدیک ساحلش را تأمین کند. (در سهم واقعی خودش که در صورت پذیرش مواضع تئوریک قزاقستان و آذربایجان ایجاد می‌شود)؛

ج) حفظ مواضعش در معامله بین‌المللی با آذربایجان درباره مناطق نفتی آذری، چیراگ و گوناشلی؛



د) (امکان) تضمین اولویت استفاده از منابع بیولوژیکی غنی شمال خزر که ارزش کنونی آن غالباً کمتر از منابع نفتی عظیم این منطقه از دریا ارزیابی نمی‌شود.

اعلامیه رسمی روسیه (در ۱۹۹۷) پیشنهاد مناقصه اکتشاف از فلات در بخش شمالی دریای خزر،<sup>(۱۶)</sup> اغلب به عنوان پذیرش اصل تقسیم بخشی از طرف این کشور تفسیر شده بود به رغم اینکه وزیر خارجه اش به طور مداوم «تصرف یکجانبه مناطق نفت و گاز» را محکوم می‌کرد.<sup>(۱۷)</sup> در فوریه ۱۹۹۸، بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه در مصاحبه اش با روزنامه ایتالیایی کوریر دلا سرا (۸ فوریه ۱۹۹۸) اظهار داشت که کشورش کوششهای همسایگانش را (با حمایت کمپانی‌های غربی) در زمینه به انزو اکشانندن روسیه در خزر، و تحمیل تقسیم نامناسب بخشها به روسیه را تحمل نخواهد کرد.<sup>(۱۸)</sup> با وجود این، در فوریه ۱۹۹۸، کارشناسانی از روسیه و قزاقستان در پی اجلاسی در استراخان در مورد تقسیم بخش اعماق دریای خزر روسیه - قزاقستان براساس اصل فاصله مساوی از خط جداکننده از ساحلهای روبه‌رو و حفظ آبهای ساحلی برای استفاده مشترک توافق کردند.<sup>(۱۹)</sup> بعدها موافقتنامه‌ای در مورد تحدید حدود بخش شمالی دریای خزر (که هدف از آن همان‌طور که در مقدمه اشاره شد در مورد «اعمال حقوق حاکمیت برای استفاده از بستر» می‌باشد) برای امضای رؤسای جمهور روسیه و قزاقستان در مسکو در ۲۸ آوریل ۱۹۹۸ آماده شد، اما روند امضا تا دیدار رسمی یلتسین رئیس جمهور روسیه از قزاقستان به تعویق انداخته شد.<sup>(۲۰)</sup> ترتیبات حقوقی «دریای آزاد» برای دریای خزر (به معنی عبور آزاد به اقیانوسهای جهان بدون پرداخت مالیات) به‌طور کلی به دو دلیل مالی و امنیتی صرف برای روسیه غیرقابل قبول است. روسیه حذف یک تعرفه (به نرخ بین‌المللی) در مورد همه کشتی‌های بین‌المللی که از کانال ولگا - دن (که دریای خزر را از طریق رودخانه‌های روسیه به دریای سیاه ارتباط می‌دهد) عبور می‌کنند را نخواهد پذیرفت. این کانال از بهار ۱۹۹۴ افتتاح شده است.<sup>(۲۱)</sup>

تا اندازه‌ای این حقیقت که روسیه استراتژی‌های متناقضی در منطقه دریای خزر دارد به وسیلهٔ تخبگان اقتصادی و سیاسی روسیه در نزاعهای داخلی توضیح داده شده است. در حالی که وزیر امور خارجه از «تثوری دریاچه» حمایت می‌کند، بزرگترین کمپانی‌های نفتی ملی که از تقسیم بخشی دریا حمایت می‌کنند از حمایت پنهانی در سطح بالای دولتی



برخوردارند.<sup>(۲۲)</sup> اغلب رفتار تنگ‌نظرانه و خودخواهانه کمپانی‌های نفت و گاز روسیه مخالف با منافع استراتژیک کشور خودشان است. برای مثال، با استفاده از تضعیف یا عدم وجود مسیرهای واردات و صادرات گاز جایگزین سیستم خط لوله روسیه، «گاز پروم» سعی کرده بازی غیرمنصفانه‌ای انجام دهد. این شرکت شرکایش (فروشنده - ترکمنستان و خریدار - اوکراین) را به پذیرش قیمت‌های بسیار پایین برای گاز ترکمنستان که به وسیله روسیه وارد می‌شود (شامل اهداف صادرات مجدد) و قیمت بسیار بالا برای گاز صادر شده از روسیه (شامل آنچه که از ترکمنستان می‌آید) به مصرف‌کنندگان در اوکراین و آدار ساخته است.<sup>(۲۳)</sup>

منافع عمده ترکمنستان در مورد مسئله حاکمیت بر آبهای دریای خزر و اعماق دریا ممکن است به صورت زیر خلاصه شود:

الف) به دست آوردن سهمی در اکتشاف هر منطقه نفتی که خارج از منطقه ۴۰ یا ۴۵ مایلی قرار دارد؛

ب) تضمین برگشت حداکثر گاز ممکن از خطوط لوله زیردریایی.

تا این اواخر، ترکمنستان از مواضع ایران و روسیه در مورد رد تقسیم بخشی دریای خزر حمایت می‌کرد. در اوایل ۱۹۹۷، بوریس شیخ مراداف<sup>۱</sup> وزیر خارجه ترکمنستان اعلام کرد که روسیه، ایران و ترکمنستان «در مورد حد ملی ۴۵ مایلی، که در چارچوب آن حقوق انحصاری در مورد نفت یا گاز خواهند داشت، موافقت کرده‌اند. مناطق باقی مانده در وسط دریای خزر سرزمین مشترک خواهد بود».<sup>(۲۴)</sup>

با وجود این در فوریه ۱۹۹۷، در واکنش به برنامه اکتشاف نفت آذربایجان که ۲۰۰ کیلومتر دورتر از ساحلش در مناطق چیراگ و آذری بود، صفر مرادنیازاف رئیس‌جمهور ترکمنستان مصوبه‌ای را که حدود قلمروی کشورش را بر دریای خزر تعریف می‌کرد، تصویب کرد. این مصوبه بعضی از مناطقی که آذربایجان مدعی آن بود را دربر می‌گرفت. بنابراین یک «مواجهه دیپلماتیک» بین ترکمنستان و آذربایجان شروع شده بود که در آن ترکمنستان آذربایجان را تهدید کرده بود که یک شکایت علیه آن کشور به سازمان ملل ارائه نماید. بسیاری

از تحلیلگران حرکت‌های ترکمنستان را اشتباه استراتژیک تلقی می‌کنند و آن را حمایت دوفاکتو از تقسیم بخشی دریای خزر در نظر می‌گیرند.<sup>(۲۵)</sup> فقدان حمایت واقعی روسیه از ترکمنستان (بویژه رد دسترسی آزاد به بازارهای گاز اروپا از طریق شبکه خط لوله روسیه) سبب شد ترکمنستان به دنبال یک معامله با آذربایجان باشد که اکنون به نظر می‌رسد کاملاً ممکن است. در مورد یک معامله دوفاکتو بین آذربایجان و ترکمنستان، اجرای اصل بخشی از تحدید حدود قلمروی ملی در دریای خزر غالباً غیرقابل اجتناب می‌باشد، و در آن جایی برای ترتیبات کندومینوم باقی نمی‌ماند.

انتخاب بعدی هنوز ضعیف‌تر می‌باشد زیرا آمریکا- تنها ابرقدرت در جهان معاصر - موافق آن نخواهد بود. حقیقت این است که در نتیجه دستورالعمل اجرایی رئیس‌جمهور (آمریکا)، «لایحه تحریم ایران و لیبی» ۱۹۹۶ «از شرکت کمپانی‌های آمریکایی در هر اکتشاف هیدروکربنی یا قراردادهای توسعه در حوضه دریای خزر، که ایران یا کمپانی‌های ایرانی، شامل ترتیبات استفاده مشترک در خزر جلوگیری می‌کند»، و بنابراین اگر دولتهای ساحلی آنچه که راه کندومینوم در مورد مالکیت منابع خزر خوانده می‌شود را اتخاذ کنند «کمپانی‌های آمریکایی از شرکت در هر پروژه‌ای برای توسعه خزر منع خواهند شد».<sup>(۲۶)</sup>

به‌رغم بعضی قدمهای ابتدایی که در زمینه تجدید روابط با ایران برداشته شده، و درک بهتر در آمریکا که یک اندیشه و سیاست ضدایرانی غیرقابل انعطاف بعدها ایران را تشویق می‌کند که به سمت اتحاد استراتژیک روسیه - ایران برود، منافع کمپانی‌های آمریکایی نفت و گاز در منطقه هنوز قادر به غلبه بر جهت‌گیری‌های قبلی ریشه‌دار سنتی و عمیق ضدایرانی کنگره و دولت آمریکا نیستند. همزمان برخی مقامات مؤثر در افکار عمومی آمریکا و مشاوران سیاسی (مدافعان سنتی سیاست ضدروسی) نظیر برژینسکی «تصدیق می‌کنند که ایران و آمریکا منافع بنیادی معین مشترکی را دارند»، «که هر دو ایران و آمریکا در منافع مشترک توسعه اقتصادی و ثبات منطقه‌ای که در شمال ایران است سهیم هستند»، و «منافع ژئوپلیتیکی در تداوم استقلال دولتهای تازه به استقلال رسیده منطقه دارند».<sup>(۲۷)</sup>

ایران با هر نوع اقدام یکجانبه در مورد اکتشاف منابع دریایی مخالفت می‌کند.<sup>(۲۸)</sup> علیه طرحهای احداث خطوط لوله زیر آب مخالفت ورزیده و موافق حمل و نقل نفت به وسیله



تانکر و استفاده از احداث خط لوله‌های جدید و موجود از طریق سرزمین ایران و روسیه می‌باشد. متخصصان ایرانی به شدت از روسیه به دلیل تناقض مواضعش در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر انتقاد می‌کنند.<sup>(۲۹)</sup> ایران هنوز بر یک کندومینوم تأکید دارد و ایده‌های یک «رژیم حقوقی دوگانه» (یکی برای آبها و دیگری برای بستر دریا) را رد می‌کند. با وجود این واضح است که این کشور اگر منافع ملی‌اش در نظر گرفته شود به طور عمده می‌تواند در معامله ترکمنستان - آذربایجان در خصوص تقسیم جنوب خزر و در قراردادهای بین‌المللی کنونی و آینده در مورد اکتشاف نفت در دیگر کشورهای دریای خزر یک اصل تقسیم بخشی دریای خزر را بپذیرد.

به هر صورت، باید به یک تصمیم نهایی در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر دست یافت، و یک پیمان بین‌المللی مربوط بین پنج دولت ساحلی مورد بررسی دقیق قرار گرفته و به امضا برسد. به نظر می‌رسد بین‌المللی کردن، یعنی مشارکت مستقیم قدرتهای فرامنطقه‌ای در این مسئله مورد حمایت نیست.

## یادداشتها

۱. در ۱۹۲۹، قبل از کاهش قابل توجه سطح آب در مقایسه با اقیانوسهای جهان، وسعت دریای خزر ۴۲۲،۰۰۰ کیلومتر مربع بود.

(Bolshaya Sovietskaya Entsiklopedia: Moscow, 1973, Vol.11, p.499).

2. Bolshaia Sovietskaia Entsiklopediia. (Sovietskaia Entsiklopediia: Moscow, 1976), Vol.24, Book 1, p.33.

3. Mezhdunarodnoye pravo. Pod redaktsiiei N.T.Blatovoi, L.A.Modzhoryan. (Yuridicheskaiia literatura: Moscow, 1979), p.313.

4. Mohammad-Reza Dabiri, A New Approach to the Legal Regime of the Caspian Sea as a Basis for Peace and Development - In: The Iranian Journal of International Affairs (IPIS: Tehran), Vol.VI, No.1 & 2, Spring/ Summer 1994, pp.34-35,44.

۵. در ارتباط با این مسئله، اسناد ایرانی جمشید ممتاز یادآور می‌شود که اتحاد جماهیر شوروی «بدون



هیچ‌گونه توجهی به موضع ایران از منابع بستر دریا استفاده می‌کرد» و اینکه «اقدامات دولت شوروی به تقسیم تاکتیکی دریای خزر دلالت داشت» در طول «یک خط فرضی که دو کشور در آستارا و بندر حسین‌قلی به هم وصل می‌شدند».

Jamshid Momtaz, The Legal Regime of the Caspian Sea. In: Amu Darya. The Iranian Journal of Central Asian Studies (Center for the Study of Central Asia and the Caucasus: Tehran), Summer & Fall 1996, Vol.1, No.2, p.205.

6. Vladislav Shorokhov, Energy Resources of Azerbaijan: Political Stability and Regional Relations. In: Caucasian Regional Studies (Centrum voor politieke Wetenschappen), Issue 1, 1996.

7. Chiap-1 Early Oil. (Baki, 1997), p.2,4; Oleg Dudkin, Nemnogo morskoi boi, nemnogo igra v karty.- In: Gaz & Neft. Energeticheskii biulleten, No.9 (21), September 1997, p.4.

8. Kamilzhan Kaladarov, Na Kaspii stolknulis interesy mirovyh dierzhav. In: Nezavisimaia Gazeta (Moscow), 1997, 4 June, p.5.

9. Christopher J.Pittinger, Boundary Delimitation in the Caspian Sea. In: Central Asia and the Caucasus Review (Foreign Ministry of Islamic Republic of Iran: Tehran), Vol.6, No.17, Spring 1997, p.15.

10. Oleg Dudkin, *op.cit.*, p.7.

11. Christopher J.Pittinger, *op.cit.*, p.16.

12. *Ibid.*, p.16; Mohammad-Reza Dabiri, *op.cit.*, pp.39-40.

13. oleg Dudkin, *op.cit.*, p.5,7; Kamilzhan Kalandarov, *op.cit.*, p.5.

14. Kamilzhan Kalandarov, *op.cit.*, p.5.

15. Oleg Dudkin, *op.cit.*, p.5.

16. Sergei Leskov, Razygryvaietsia uchastok neftianogo Kaspiiia. In: Izvestiia (Moscow), 10 December 1997, p.2.

17. Boris Vinogradov, Razdel Kaspiiia sostoiatsia? - In: Izvestiia (Moscow), 25 December 1997,



p.2.

18. Tochka zreniia «Izvestii». Kaspii nie mozhet byt «moriem razdora». - In: Inzvestiia (Moscow), 11 February 1998, p.5.

19. Yuriy Nieviezhyh, Kazahstan i Rossiia dogovarivaiutsia o statusie Kaspiiskogo moria.- In: Izvestiia (Moscow), 18 February 1998, p.2.

20. Boris Vinogradov and Igor Tsukanov, Na kaspiiskom dne Moskva i Akmola luchshe vidiat drug druga- In: Izvestiia (Moscow), 29 April 1998, p.1.

21. Vladislav Shorokhov, *op.cit.*

22. Sergei Kolchin, Niefi i gas Kaspiia: Stratiiegichieskie intieriesy Rossii.- In: Mirovaia ekonomika i miezhdunarodnyie otnosheniia, 1998, No.3, p.98.

23. Gwendolyn Sasse, Fuelling Nation - State - Building: Ukraine's Energy Dependence on Russia.- In: CACP Briefing (The Royal Institute of International Affairs: London), No.17, April 1998, pp.2-3.

24. Robert Corzine, Turkmenistan Lays Claim to Disputed Caspian Oil.- In: Financial Times, 13 January 1997.

25. Kamilzhan Kalandarov, *op.cit.*, p.5.

26. John H. Lichtblau, U.S. Caspian Area Foreign Policy in Conflict with Resource Plans. - In: Oil & Gas Journal. International Petroleum News and Technology (Penn Well Publishing Co: Tulsa, Oklahoma), Vol.95, No.32, 11 August 1997, p.20-22.

27. Cited from: Shirzad Bazorgmehr, Opportunity for Serious Iran- U.S. Dialogue, Brzezinski.- In: Iran News, 30 April 1998, p.1, 15.

28. Address by H.E. Dr. Kamal Kharrazi, Minister of Foreign Affairs, to the Opening Session of the Seminar on «Central Asia and the Caucasus: The Role of Regional Powers in Conflict Resolution and Economic Development». (IPIS: Tehran), 1998, p.7-8.

29. Editorial. Kiriyenko and Irano- Russian Ties. - In: Iran News. 30 April 1998, p.2.





شپوهنځي ګاونډي علوم او مطالعات فرېنجي  
پر تال جامع علوم انساني